

دکتر دیوید هاوارد، جاشوا-روت، جلسه ۳۱

مقدمه‌ای بر روت

دیوید هاوارد و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید هاوارد است که در حال تدریس در مورد کتاب‌های یوشع تا روت است. این جلسه ۳۱، مقدمه‌ای بر روت است.

سلام دوباره به پروفیسور دیوید هاوارد. در این بخش، قرار است درباره کتاب روت صحبت کنیم. اگر ویدیوهای آموزشی من را دنبال کرده باشید، ما یوشع و داوران و حالا روت را پوشش داده‌ایم. و این کتاب منطقیاً بعد از کتاب داوران می‌آید و منطقیاً به کتاب سموئیل نگاه می‌کند.

اما چند دقیقه دیگر با دقت بیشتری به جایگاه آن در مجموعه کتب مقدس خواهیم پرداخت. اما برای شروع، فقط لازم است چند نکته کلی در مورد کتاب روت بگویم. این کتاب شامل یکی از لذت‌بخش‌ترین داستان‌هایی است که تا به حال در کتاب مقدس یافته‌ایم.

اینجا می‌بینیم که همه چیز برای شخصیت‌ها به خوبی پیش می‌رود. تقریباً یک داستان شاد و مفرح است. شخصیت‌های دلسوز، در ابتدا کمی غم‌انگیز، و سپس اوضاع برای همه خوب پیش می‌رود.

این اثر به عنوان یک اثر ادبی، ساختار خوبی دارد و اغلب حتی در مجموعه‌ها یا مجموعه‌های ادبیات جهان به عنوان نمونه‌ای زیبا از یک داستان کوتاه یافت می‌شود. با مقدمه‌ای بر داستان، بحرانی مطرح می‌شود، اوج داستان، گره‌گشایی، حل و فصل مسائل و سپس نوعی جمع‌بندی است. بنابراین، از همه طرف به عنوان یک داستان ادبی زیبا مورد ستایش قرار می‌گیرد، حتی اگر مردم شاید وقایع واقعی آن را باور نکنند.

داستانی ساده اما بسیار عمیق درباره بخت و اقبال یک خانواده در دورانی دشوار را روایت می‌کند. در ابتدا به ما گفته می‌شود که این داستان در دوران داوران اتفاق می‌افتد و ما در سخنرانی‌های قبلی درباره اوضاع و شرایط وحشتناک در دوران داوران صحبت کرده‌ایم. بنابراین، این داستان، کورسوی از امید و نوری کوچک است که در تاریکی آن دوران می‌درخشد.

نشان دادن دخالت بی‌سروصدا اما مطمئناً مطمئن و مداوم خداوند در زندگی این افراد و برکت دادن به آنها. خب، بیایید در مورد خود کتاب صحبت کنیم. عنوان کتاب از شخصیت اصلی، روت، گرفته شده است.

او یک زن موآبی است. او اهل موآب، شرق دریای مرده است و اسرائیلی نیست. بنابراین، این داستان کسی است که به نوعی وارد خانواده خدا شده است، نه از طریق نسب، نه از طریق تولد، بلکه اساساً با پذیرفتن ایمان مادرشوهر و خانواده شوهرش.

او توسط نوادگان ابراهیم متبرک شد. ما در سخنرانی‌های قبلی در مورد عهد ابراهیمی صحبت کرده‌ایم که می‌گوید خداوند کسانی را که ابراهیم و نوادگانش را برکت می‌دهند، برکت خواهد داد و مطمئناً روت یکی از کسانی بود که این را تأیید کرد، وفاداری خود را به مادرشوهرش ابراز و تعهد کرد و او نیز به نوبه خود متبرک شد و ازدواجی در خاندان اسرائیل صورت گرفت و همه چیز به خوبی پیش رفت. از نظر نویسنده کتاب، مانند تمام کتاب‌های تاریخی، یوشع از طریق استر، این کتاب ناشناس است.

ما هیچ سابقه و هیچ بیانیه‌ای در خود کتاب در مورد نویسنده آن نداریم. ما هیچ بیانیه‌ای در مورد نویسنده کتاب در هیچ جای دیگر کتاب مقدس نداریم. بنابراین اساساً ما نمی‌دانیم.

سنت یهودی آن را به سموئیل نسبت می‌دهد، که ممکن است منطقی باشد. او چند سال پس از این زندگی می‌کرد، اما در غیر این صورت، ما واقعاً نمی‌دانیم. این پیشنهاد مطرح شده است که شاید نویسنده یک زن بوده باشد، زیرا دو زن قوی و شایسته، نعومی و روت، برجسته بوده‌اند، اما باز هم این یک حدس است.

هیچ راهی برای دانستن وجود ندارد. بنابراین، نظر من در مورد این موضوع با وجود همه این کتاب‌ها، هر چقدر هم که این مطالب جالب باشند، این است که کتاب مقدس به نکته‌ای اشاره نمی‌کند. ما به نوعی وقت خود را برای فهمیدن آن تلف می‌کنیم، مگر اینکه فقط به خاطر کنجکاوای این کار را انجام دهیم، اما حدس زدن نویسنده واقعاً کمکی به تفسیر ما از کتاب نمی‌کند، بنابراین آن را به همین صورت می‌گذاریم.

از نظر تاریخ نگارش کتاب، کلمه آخر کتاب «داوود» است که به پادشاه داوود اشاره دارد که سلطنتش از حدود ۱۰۱۰ قبل از میلاد تا حدود ۹۷۰ میلادی بوده است. بنابراین واضح است که کتاب پس از آن نوشته شده است. اینکه چه مدت پس از آن، ما هیچ ایده‌ای نداریم.

بسیاری ادعا کرده‌اند که این کتاب در زمان داوود به عنوان مشروعیت بخشی به سلطنت او نوشته شده است، که در چند دقیقه آینده در مورد آن صحبت خواهیم کرد. برخی دیگر استدلال کرده‌اند که واقعاً قرن‌ها بعد، در زمان عزرا و نحمیا نوشته شده است، و دلیل آن این است که عزرا و نحمیا هر دو اصلاحاتی را آغاز کردند که در آن ازدواج با بیگانگان را کشف کرده بودند، و در آنجا یک مراسم عشای ربانی، اساساً یک طلاق، را اجباری کردند و همسران خارجی را از مردان قوم جدا کردند، و بسیاری استدلال کرده‌اند که این کتاب به نوعی روی دیگر سکه، یعنی آغوش یک همسر خارجی را نشان می‌دهد، و او بخشی از خانواده خدا شد، و برخی استدلال کرده‌اند که این کتاب به عنوان یک جدال عمدی علیه آن کتاب‌های دیگر نوشته شده است. من فکر می‌کنم واضح است که این کتاب روی دیگر سکه عزرا و نحمیا را نشان می‌دهد، اما فکر می‌کنم دلایلی برای طلاق دسته جمعی در عزرا و نحمیا وجود دارد، و عوامل تخفیف دهنده‌ای در آنجا وجود دارد که ما نمی‌توانیم در اینجا به آنها پردازیم.

«فقط به نکته‌ی کوچک بهتون بگم. من به کتاب درسی به اسم «مقدمه‌ای بر کتب تاریخی عهد عتیق» نوشتم و به فصل در مورد هر کدام از کتاب‌های تاریخی، از جمله عزرا و نحمیا، دارم. من به طور مفصل به موضوع اصلاحات در کتاب‌های عزرا و نحمیا، طلاق دسته جمعی و اصول اخلاقی اون پرداختم، بنابراین آگه علاقه‌مند باشید می‌تونید اون رو بررسی کنید. اما اینجا، این روی دیگه‌ی سکه رو نشون می‌ده، و تصویر زیبایی از به خارجی رو نشون می‌ده که توسط قوم خدا پذیرفته می‌شه.

با توجه به ماهیت ادبی کتاب، به طرق مختلف توصیف شده است. به عنوان یک داستان کوتاه، فرضیه‌ای وجود دارد که آن را تخیلی می‌داند. برخی از محققان آن را بیشتر یک داستان کوتاه تاریخی دانسته‌اند و من فکر می‌کنم این توصیف خوبی است.

هیچ چیزی در این کتاب وجود ندارد که نشان دهد داستانی است. در واقع، شواهد بیشتری وجود دارد که نشان می‌دهد این کتاب داستانی نیست، به دلیل توجه دقیق به نام‌ها در ابتدای کتاب، الیملک و نعومی و دو پسرشان، و سپس روت و عرفه، همسرانشان، و در پایان، شجره‌نامه‌ای که ما را از پدرسالار، یعقوب، تا داوود، با دقت کنار هم قرار می‌دهد، بنابراین به سختی می‌توان فهمید که این فقط یک ساختار داستانی است. اما از این نظر، یک سند ادبی زیبا است.

بگذارید کمی بیشتر در مورد ماهیت ادبی کتاب بگویم. همانطور که اشاره کردم، بسیاری از محققان، کتاب را به خاطر خط داستانی زیبایش ستایش می‌کنند، اما وقتی به پایان کتاب می‌رسید، در فصل ۴، آیه ۱۷، نوعی جمع‌بندی می‌بینید، جایی که روت و نعومی ازدواج کرده‌اند، آنها صاحب پسری شده‌اند که نامش عوبید

است، او پدر یسی است، او پدر داوود است. بنابراین، پایان آیه ۱۷، فصل ۴، با داوود تمام می‌شود و پس از آن، یک شجره‌نامه بسیار کوتاه داریم، آیات ۱۸ تا ۲۲، که به شخصی به نام پرز برمی‌گردد و دوباره به داوود می‌رسد.

و بنابراین، به یک معنا، اینجا یک حشو و زوائد وجود دارد، و این شجره‌نامه، البته، در یک ساختار روایی گنجانده نشده است، فقط یک فهرست است. و بسیاری از محققان احتمالاً گفته‌اند، احتمالاً شکل اصلی کتاب از فصل ۱، آیه ۱، تا فصل ۴، آیه ۱۷ بوده است، که نوعی ساختار داستان کوتاه زیبا است، و سپس بسیاری از محققان استدلال می‌کنند که شجره‌نامه، که گاهی اوقات به عنوان یک ضمیمه دیده می‌شود، بعداً اضافه شده است تا ارتباط با داوود را برجسته‌تر کند، و فرض این است که این کار به روشی بسیار دست و پا چلفتی، یک روش ناشیانه انجام شده است، و ضروری نبوده است، و بنابراین این محققان به نوعی شجره‌نامه را رد می‌کنند، و این را روشی غیرضروری و دست و پا چلفتی می‌دانند که به نوعی زیبایی بقیه کتاب را از بین می‌برد. نظر من این است که ما واقعاً نمی‌دانیم که آیا این متن در زمان نگارش بقیه کتاب نوشته شده است یا بعداً، و از برخی جهات، واقعاً مهم نیست، زیرا بخشی از شکل نهایی کتاب است، این شکلی است که به دست ما رسیده است، هیچ مدرک خطی در هیچ کجا وجود ندارد که نشان دهد کتاب در آیه از فصل ۴ به پایان رسیده است، بنابراین ما، اگر قرار است تمام کتاب مقدس را تفسیر کنیم، موظفیم ۱۷ آن را همانطور که هست بپذیریم، و نه اینکه آن را به شیوه‌هایی که ترجیح می‌دهیم ببینیم، برش دهیم.

بنابراین، تقریباً شعار من در بسیاری از کلاس‌هایم این است که وظیفه ما به عنوان مفسر، اگر کلاه مفسر بودن، کلاه مفسر بودن را بر سر داشته باشیم، وظیفه من تفسیر متنی است که وجود دارد، نه متنی که آرزو می‌کنم وجود داشته باشد، یا فکر می‌کنم باید وجود می‌داشت، یا نباید وجود می‌داشت. بنابراین همانطور که در مورد کتاب صحبت می‌کنیم، در مورد اهمیت تبارشناسی به عنوان بخشی از کتاب صحبت خواهیم کرد، و از برخی جهات، به شیوه‌ای ادبی، این موضوع مناسب است، زیرا در فصل ۱، آیات ۱ تا ۵ فهرست بسیاری از نام‌ها و نوعی زمینه‌سازی را داریم، و سپس در پایان، فهرستی از نام‌های بسیاری داریم و نوعی جمع‌بندی و قرار دادن آن در متن، بنابراین به نوعی با فهرست‌ها، فصل‌های ۱ تا ۵ و سپس فصل ۴ تا ۲۲، پراکنده شده است. هدف کتاب چیست؟ حدس‌ها و توصیف‌های زیادی در مورد آن ارائه شده ۱۸ است.

مطمئنأً، این کتاب زیبایی است که درباره وفاداری و پیوندهای خانوادگی صحبت می‌کند و همه چیز خوب پیش می‌رود، و مطمئنأً بهتر است که از این دریچه به آن نگاه کنیم. همانطور که گفتیم، برخی آن را به عنوان یک جدال ضد عزرا نحیمیا دیده‌اند که به نفع گنجاندن بیشتر خارجی‌ها استدلال می‌کند. برخی فقط گفته‌اند که این چیزی بیش از یک داستان کوتاه دلپذیر نیست، همانطور که امروزه داستان‌های کوتاه یا برخی از افسانه‌هایی را که از آنها لذت می‌بریم، می‌خوانیم.

البته فکر می‌کنم چیزهای بیشتری از این حرف‌ها وجود دارد. فکر می‌کنم به وضوح ایده وفاداری در آن وجود دارد، و فکر می‌کنم که داستان بسیار زیبایی درباره یک خانواده را نشان می‌دهد، و خدا به شکلی بی‌سروصدا در زندگی یک خانواده عمل می‌کند. اما فکر می‌کنم باید اشارات به داوود در پایان کتاب را جدی بگیریم، و از این نظر، اگر به جریان کتاب‌هایی که اینجا مطالعه کرده‌ایم، یوشع و به خصوص داوران نگاه کنیم، داوران می‌گویند که اوضاع به این نقطه سر‌اشیبی رسیده است زیرا هیچ پادشاه خدایی در سرزمین وجود نداشته است، و ما به یک پادشاه نیاز داریم.

کتاب روت، پس از آن در متون مقدس پروتستان، ما را به سمت داستانی از زندگی دودمان پادشاه بزرگ و خداترسی که قرار بود بیاید، یعنی داوود، هدایت می‌کند. و داوود در کتاب بعدی، البته در اول سموئیل، معرفی می‌شود. بنابراین، فکر می‌کنم آنجاست.

ما قطعاً باید وقتی در مورد هدف کتاب صحبت می‌کنیم، به ماهیت داوودی آن نیز فکر کنیم. و من فکر می‌کنم که این کتاب به آمدن پادشاه خداترس داوود اشاره دارد. این بخشی از مشروعیت بخشیدن به پادشاهی داوود است، اما همچنین نشان می‌دهد که مشیت الهی در حال اجرا است.

خدا آنطور که در بخش‌های مختلف کتاب داوران به نظر می‌رسد، غایب نیست. خدا در زندگی یک خانواده کاملاً حضور دارد و ما فقط تصویری از آن خانواده را چند نسل قبل از ظهور داوود می‌بینیم. از نظر جایگاه این کتاب در مجموعه کتب مقدس، همانطور که گفتم، در کتاب مقدس ما، برای اکثر ما که کتاب مقدس پروتستان‌ها را می‌خوانیم، درست بعد از کتاب داوران آمده است.

این با اینجا مطابقت دارد زیرا کتاب با این جمله شروع می‌شود که در روزهایی که داوران قضاوت می‌کردند، در روزهایی که داوران حکومت می‌کردند، قحطی در سرزمین رخ داد و این داستان ادامه می‌یابد. بنابراین، بلافاصله، ما زمینه را در مقابل آن پس‌زمینه قرار می‌دهیم و اینجا خیلی خوب مطابقت دارد. در متون عبری، متون یهودی در جای دیگری ظاهر می‌شوند.

مجموعه کتب مقدس عبری به سه بخش اصلی تقسیم شده بود. پنج کتاب اول، اسفار پنجگانه، کتب موسی، کتب شریعت و تورات، از پیدایش تا تثنیه. سپس چیزی وجود دارد که انبیا نامیده می‌شود.

یوشع، داوران، سموئیل و پادشاهان، باور کنید یا نه، به آنها انبیا می‌گویند. اینها انبیای پیشین نامیده می‌شوند. و درست بعد از پادشاهان، اشعیا، ارمیا، حزقیال و سپس کتاب دوازده رسول قرار دارند.

بنابراین، هشت کتاب از انبیا در کتب مقدس عبری وجود دارد. روش‌های شمارش متفاوت است، آنها همان کتاب‌هایی هستند که ما در آنجا داریم. بنابراین، کتاب دوازده شامل چیزی است که ما آن را دوازده پیامبر کوچک می‌نامیم.

اما سپس در بخش بعدی، شامل تمام کتاب‌های متفرقه دیگری می‌شود که در دو بخش اول گنجانده نشده‌اند، که معمولاً با مزامیر شروع می‌شود و سپس امثال یا مزامیر، ایوب و سپس امثال. و بلافاصله پس از امثال، روت قرار دارد. روت اولین کتاب از مجموعه کتاب‌هایی است که مگیلوت نامیده می‌شوند.

و مگیلوت کلمه‌ای برای طومارها است. و پنج کتاب به نام مگیلوت وجود دارد. اینها روت، و غزل غزل‌ها، یا غزل‌های سلیمان، جامعه، مراثی و استر هستند.

بنابراین، اینها همه پنج کتاب کوچک هستند و در سنت یهود، بعدها، پس از عهد عتیق، در پنج عید مختلف در طول چرخه سالانه اعیاد خوانده می‌شدند. و روت در عید هفته‌ها، پنطیکاست، پس از عید فصیح خوانده می‌شد. اما جالب است که درست بعد از امثال سلیمان آمده است، زیرا، اجازه دهید فقط به نکته‌ای اشاره کنم.

اگر کتاب مقدس دارید، کتاب روت را باز کنید. اما بعد می‌خواهم چیزی را در انتهای امثال به شما نشان دهم. پس به انتهای امثال، فصل ۳۱، مراجعه کنید.

کتاب امثال به شیوه‌ای نسبتاً مشهور به پایان می‌رسد، همانطور که اکثر مردم می‌دانند. کتاب امثال با شعری در آیات ۱۰ تا ۲۱ از فصل ۳۱ به پایان می‌رسد. شعری در ستایش زن خداترس، همسری عالی، چیزی در همین مایه.

و این در نسخه من، امثال ۳۱، آیه ۱۰ شروع می‌شود. می‌گوید، زن خوب را چه کسی می‌تواند پیدا کند؟ او از جواهرات بسیار گرانبه‌تر است. قلب شوهرش به او اعتماد دارد.

او هیچ کمبودی در غلات نخواهد داشت. و در ادامه، واقعاً از او به نیکی یاد می‌کند. و او زن تاجر خوبی است.

او امور خانه و دروازه‌های شهر را مدیریت می‌کند، و همه اینها چیزهای خوبی هستند. کلمات عبری برای همسر عالی در نسخه من، درباره یک زن خداترس صحبت می‌کنند، و روش‌های مختلف ترجمه آن. اما آن اصطلاح در آیه ۱۰، آن اصطلاح در آیه ۱۰، اِشْتِجِ حِیلِ است.

اِشْتِ کلمه‌ای برای همسر یا زن است. و این کلمه به عنوان شایسته یا عالی ترجمه می‌شود. گاهی اوقات این کلمه‌ای است که به آن اشاره می‌شود و به مردان اشاره دارد.

می‌شود. بنابراین، ما hayel و معمولاً به عنوان شجاعت ترجمه می‌شود. اصطلاح مردان شجاع شامل کلمه این را در مورد استر، در مورد زن خداترس در امثال خواهیم گفت.

این یک همسر عالی است. حال، اگر به کتاب روت برگردیم، در فصل ۳، وقتی بوعز با او صحبت می‌کند. می‌گوید، روت فصل ۳، آیه ۱۱، بوعز می‌گوید، حال، دخترم، نترس. هر چه بخواهی برایت انجام خواهم داد.

زیرا همه همشهریان من می‌دانند که تو زن شایسته‌ای هستی. در نسخه من، ترجمه همین است. و دو کلمه eshet hayel، آنجا دقیقاً همان چیزی است که در امثال می‌بینیم.

در کتاب امثال به این صورت ترجمه شده است، زن شایسته در اینجا. از ESV، بنابراین، یک همسر عالی برخی جهات خوب بود که نسخه عبری این دو را به یک شکل ترجمه می‌کرد تا پیوندها را نشان دهد، زیرا آنها دقیقاً همان دو کلمه در زبان عبری هستند. اما نکته این است که امثال با صحبت در مورد زن ایده‌آل، مثلاً همسر ایده‌آل، به پایان می‌رسد.

و سپس ما نمونه‌ای از آن را در کتاب بعدی در مجموعه کتب عبری داریم، داستان کوتاهی که روت را به عنوان نمونه‌ای از آن نوع تعالی، آن نوع شایستگی نشان می‌دهد. بنابراین این یک ارتباط واقعاً جالب در نحوه‌ی طرح‌بندی مجموعه کتب عبری است. همچنین در جایگاه کتاب به شکلی که ما آن را با داوران در فصل 20 به پایان می‌رسد hayel می‌شناسیم جالب است زیرا کتاب داوران نیز با همان کلمه

بنابراین، اگر بخواهید چند صفحه به عقب برگردید، وقتی صحبت از مردان بنیامین و این جنگ داخلی است که مردم را درگیر کرده است، مردان بنیامین جنگجویان و مبارزان شجاعی هستند. و در داوران فصل 20، آیه آمده است که 18000 مرد بنیامین کشته شدند، همه آنها مردان شجاع، مردان هایل بودند. بنابراین، و 44، سپس پایان آیه 46 نیز همین کلمه را ذکر می‌کند.

بنابراین، ما فکر نمی‌کنیم که روت از نوع جنگجو بوده باشد، اما این بازی با کلمات جالب است. با پایان کتاب داوران مطابقت دارد. او... اینها مردانی شجاع و جنگجو هستند.

او در روت زنی با شجاعت، ارزش و شایستگی فراوان است. و او مانند زن موجود در امثال، نمونه بارز فضیلت و الگو است. بنابراین، اینها برخی از نکات مربوط به جایگاه این کتاب در مجموعه کتب مقدس است.

بیاید در مورد زمینه تاریخی و فرهنگی کتاب صحبت کنیم. اساساً، این همان چیزی است که در کتاب داوران در مورد آن صحبت کردیم. در اینجا دورانی از هرج و مرج وجود دارد.

دوره‌ای از انحطاط اخلاقی وجود دارد. به نظر می‌رسد که این دوره در اواخر این دوره باشد، زیرا چند نسل با پادشاه داوود که حدود سال ۱۰۱۰ قبل از میلاد به تخت نشست، فاصله دارد. دوره داوران حدود سال‌های ۱۴۰۰، ۱۳۵۰، آغاز می‌شود، یعنی چند صد سال قبل از این دوره.

موآبیان مردمی هستند که روت از آنجا آمده است. و آنها از نظر جغرافیایی همسایه بودند، اما از نظر خویشاوندی نیز با هم مرتبط بودند زیرا موآبیان در اصل پسر لوط بودند. لوط برادرزاده ابراهیم بود.

موآب متأسفانه از طریق رابطه نامشروع با دخترش در پیدایش ۱۹ از لوط متولد شد. و بنابراین، موآبیان و بنی‌اسرائیل به اصطلاح، به عنوان پسرعموهای دور، خویشاوندی دوری دارند. در کتاب مقدس، زمینه‌های زیادی بین این دو گروه وجود دارد.

پس از خروج از مصر، بنی‌اسرائیل، همانطور که در بیابان سرگردان بودند، با سیحون، پادشاه اموریان که کنترل موآب را به دست گرفته بود، درگیر شدند (سفر اعداد، باب ۲۱). (در سفر داوران، باب ۳، درباره عجلون، پادشاه کوچک موآبی، می‌خوانیم که ایهود با ضربه چاقوی چپ دست به شکمش او را کشت. در اینجا، به نظر می‌رسد رابطه بین اسرائیل و موآب نسبتاً پایدار است و روت می‌تواند از آنجا عبور کند.

بعداً، در کتاب دوم پادشاهان، درگیری بین اسرائیل و موآب رخ می‌دهد. و پرستشی که موآبیان می‌پرستیدند، خدای والای آنها کموش بود. و آنها همچون بعل و اشرا و غیره را می‌پرستیدند، همانطور که اکثر کنعانی‌های دیگر این کار را می‌کردند.

بنابراین، قبل از اینکه به خود کتاب بپردازیم، می‌خواهم در مورد یک چیز دیگر و سپس مضامین کتاب است. و Leveret صحبت کنم. نکته خاصی که می‌خواهم چند دقیقه‌ای به آن بپردازم، چیزی به نام ازدواج گرفته شده است که به معنی برادر یا برادر شوهر است Leveret این از اصطلاح لاتین

در فصل‌های ۳ و ۴، جایی که روت و بوعز آماده ازدواج می‌شوند، یک اشکال کوچک وجود دارد، زیرا شخصی وجود دارد که از بوعز خویشاوند نزدیک‌تری است و می‌گوید که این مرد قبل از اینکه بوعز از هرگونه حقی برخوردار شود، حق ازدواج با روت را دارد. و بسیاری از بحث‌ها در کتاب روت ادعا می‌کنند که این، قانون اهرم، که در واقع در اسفار پنجگانه درباره آن صحبت شده است، در واقع همان چیزی است که در کتاب روت اتفاق می‌افتد. و من می‌گویم، نه، برخی شباهت‌های نزدیک وجود دارد، اما نه دقیقاً.

دو متن در اسفار پنجگانه تورات وجود دارد که به نوعی زمینه‌ساز این موضوع هستند. بنابراین، ما به آنها نگاه خواهیم کرد. اولین متن در تثبیه، فصل ۲۵ است.

پس اجازه دهید از شما بخواهم که به آن برگردیم. این همان قسمتی است که در آن به ازدواج واقعی لورت، اشاره شده است، جایی که برادر شوهر یک بیوه موظف است با او ازدواج کند و برای او فرزندی، یک پسر داشته باشد. بنابراین، بیاید به زمینه نگاه کنیم و سپس خواهیم دید که چگونه به کتاب روت مربوط می‌شود یا چگونه به کتاب روت مربوط نمی‌شود.

بنابراین، تثبیه ۲۵، از آیه ۵ شروع می‌شود. می‌گوید: «اگر برادران با هم زندگی کنند و یکی از آنها بمیرد و پسری نداشته باشد، همسر مرد متوفی نباید خارج از خانواده به ازدواج مرد غریبه‌ای درآید. برادر شوهرش باید با او همبستر شود و او را به همسری خود درآورد و وظیفه برادر شوهری را نسبت به او انجام دهد.»

بنابراین، به عبارت دیگر، اگر شوهر زنی بمیرد، باید دوباره به ازدواج یکی از برادرانش درآید، نه اینکه خارج از خانواده ازدواج کند.

yabam و کلمات انگلیسی وظیفه برادر شوهر یا برادر شوهر را انجام می‌دهند. کلمه عبری پشت آن کلمه است. و این کلمه چندین بار در اینجا آمده است.

من دارم درباره وظایف این برادر شوهر صحبت می‌کنم. این کلمه فقط یک بار دیگر در کتاب مقدس آمده است، و آن در پیدایش ۳۸، آیه ۸، در رابطه با یهودا و عروسش تamar است. و وقتی شوهر تamar می‌میرد، پسر یهودا می‌میرد، یهودا نزد او می‌آید و از او می‌خواهد که وظایف را انجام دهد، همان وظایف

است. این کلمه در کتاب روت نیامده است. بنابراین، این ارتباطی که اغلب در مطالعات یا yabam و کلمه تفاسیر روت می‌بینید، واقعاً یک ارتباط دقیق نیست.

اما بیایید به خواندن متن تثنیه ادامه دهیم. بنابراین، آیه ۶، تثنیه ۲۵: پسر اولی که او به دنیا بیاورد، جانشین نام برادر متوفی خود خواهد شد، تا نام او از اسرائیل محو نشود.

بنابراین، این روشی است که سیستم باید کار کند. اما آیه ۷ می‌گوید، شاید قرار نباشد به این شکل کار کند. آیه ۷، اگر آن مرد نخواهد زن برادرش را بگیرد، زن برادرش باید به دروازه، نزد بزرگان برود و بگوید، برادر شوهرم از جاودانه کردن نام برادرش امتناع می‌کند.

او حق برادر شوهری را نسبت به من انجام نخواهد داد. پس، او پیام (نوعی کنیز) را انجام نخواهد داد. آنگاه بزرگان شهر او را احضار کرده و با او صحبت کنند، و اگر او اصرار ورزد، بگوید، نه، من نمی‌خواهم او را بگیرم.

سپس همسر برادرش در حضور بزرگان به سمت او می‌رود و صندل‌هایش را از پایش بیرون می‌کشد و به صورتش تف می‌کند. بنابراین این یک صحنه دراماتیک است. در کتاب روت، روت به صورت خویشاوند نزدیکش تف نکرد.

او واقعاً برادر زن نیست. فقط اینجا هم کلی تفاوت‌های مهم وجود دارد. و بعد اینطور تمام می‌شود که اوضاع این‌طور پیش خواهد رفت.

بنابراین، روشی که باید کار کند این است که برادر باید پا پیش بگذارد. اما همانطور که گفتم، جایگاه در روت، جایگاه آن خویشاوند نزدیک است، و در روت اغلب به عنوان خویشاوند یا خویشاوند نجات‌دهنده یا فقط نجات‌دهنده ترجمه می‌شود. کلمه در آنجا متفاوت است.

است که به عنوان خویشاوند یا خویشاوند نزدیک یا خویشاوند نجات‌دهنده ترجمه شده است. goel کلمه و این کلمه ای است که استفاده شده است. این کلمه اصلاً در تثنیه ۲۵ استفاده نشده است، اما بارها در کتاب لاویان، فصل ۲۵، به کار رفته است.

بنابراین به نظر می‌رسد که این تشبیه نزدیک‌تری باشد. پس، بیایید به آن متن، لاویان ۲۵، نگاه کنیم. و دو بخش در آن باب وجود دارد که به این موضوع مرتبط هستند.

رستگاری اموال. و، goel یکی در آیات ۲۳ تا ۳۴ است. و این بخش مربوط به رستگاری است، شکل فعلی. سپس در آیات ۳۵ تا ۴۶، رستگاری خویشاوندان فقیر یا برادران فقیر آمده است.

و بنابراین به نظر می‌رسد آن دو صحنه یا آن دو تصویر به آنچه در روت اتفاق می‌افتد نزدیک‌تر هستند، زیرا است. بنابراین، بیایید به چند آیه در اینجا نگاه geel یا شکل فعلی goel کلمه استفاده شده دقیقاً همان کنیم. لاویان ۲۵، آیه ۲۳.

این زمین برای همیشه فروخته نخواهد شد، زیرا این زمین از آن من است، خداوند می‌گوید. ما این نکته را در کتاب یوشع بیان کرده‌ایم که سرزمین کنعان واقعاً متعلق به کنعانیان نبود، بلکه متعلق به خدا بود، حتی زمانی که اسرائیل در آن دخیل بود. در نهایت، هنوز هم متعلق به خداست.

خدا می‌گوید شما نزد من غریب و مهمان هستید، و در تمام سرزمینی که در اختیار دارید، باید فدیة بدهید، در مورد زمین وجود دارد. اگر برادرتان فقیر شود، آیه ۲۵، و بخشی از دارایی خود را بفروشد goel کلمه است، خواهد آمد و آنچه را که برادرش فروخته goel آنگاه نزدیکترین فدیة دهنده او، که شکل اسمی است، فدیة خواهد کرد.

و سپس در طول فصل ادامه می‌یابد. بنابراین در اینجا صحبت از کسی است که می‌آید و برای بازخرید زمین یا بازخرید کسی که بخشی از ملک خود را به شخص دیگری فروخته است، قیمتی می‌پردازد تا آن را بازخرید کند و آن را به آنها بازگرداند. و این نوعی نکته اصلی در اینجا است.

این به نوعی ارزش و اهمیت مالکیت ملک یا حداقل مدیریت را نشان می‌دهد، و خداوند مالک زمین است، اما آن را به مردم، به افراد، به قبایل، به سرزمین اسرائیل به امانت می‌دهد. سپس به طور مشابه، در آیات و بعد از آن، همین اتفاق باید برای کسی که فقیر می‌شود، زمینی برای بخشیدن ندارد، اما خود را به ۳۵ بردگی، به بندگی شخص دیگری می‌فروشد، رخ دهد، که در نهایت در سال یوبیل، هر ۴۹ سال، آنها آزاد می‌شوند. بنابراین، آیه ۳۵، اگر برادرتان فقیر شود و نتواند با شما زندگی کند، شما باید از او مانند یک غریبه و مهمان حمایت کنید.

او با تو زندگی خواهد کرد، هیچ بهره‌ای از او نخواهد گرفت، و غیره، و غیره. و سپس آیه ۴۰، او تا سال یوبیل با تو خدمت خواهد کرد. سپس او بیرون خواهد رفت و آزاد خواهد شد، و غیره.

بنابراین، ایده رهایی یک شخص از بردگی، همانند زمین، وجود دارد. به نظر می‌رسد هر دوی این موارد در پس‌زمینه مراسم یا نهادی قرار دارند که در کتاب روت می‌یابیم. با این اوصاف، اشاره شده است که جزئیات کتاب روت در مورد بوعز که به این خویشاوند نزدیک، این خویشاوند رهایی‌دهنده، در فصل‌های ۳ و ۴ روت می‌گوید، این است که اگر قرار است این مزرعه‌ای را که متعلق به ابیملک بود و اکنون به روت رسیده است، بخرد، اگر قرار است مزرعه را بخرد، نه تنها مزرعه را به دست می‌آورد، بلکه روت را نیز در این معامله به دست می‌آورد.

هیچ جای تورات به طور خاص در مورد این موضوع صحبت نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد که این گسترش قانونی است که در کتاب مقدس ثبت نشده است، ظاهراً فقط به یک رسم تبدیل شده است. یا چه کسی می‌داند، شاید بوعز فقط آن را مطرح کرده و آن را درجا ایجاد کرده است.

اما من در این مورد شک دارم، چون به نظر می‌رسد خویشاوند نزدیک با این نظر موافق است و می‌گوید نه من نمی‌توانم این کار را انجام دهم چون در این صورت ارث خودم را از دست می‌دهم. بنابراین این بازخرید اموال با یک همسر، یک زن برای همراهی با آن، در لاویان و تثنیه وجود ندارد.

حال، عناصری از هر دو متن را در خود دارد. در اینجا بیوه زنی توسط کسی با خرید می‌شود، که به نوعی یادآور متن تثنیه است. در اینجا با خرید زمین است که یادآور متن لاویان است.

دقیق نیست. در تثنیه، کلمه متفاوتی آمده است و در لاویان، به زنی که در معامله همراه بوده اشاره نشده است. بنابراین، مطالعات بسیار زیادی در مورد روت خواهید دید که در مورد اهرم در ازدواج یا این نوع رسم صحبت می‌کنند، اما دقیقاً مشابه هیچ یک از آنها نیست.

این نوع جدیدی از چیزهای کوچک است که ما در کتاب روت می‌یابیم. شاید در طول قرن‌ها برخی از این معیارهای دیگر به عنوان یک رسم اضافه شده باشند، نه آنطور که خدا در اسفار پنجگانه دستور داده است. بنابراین اکنون می‌خواهم در مورد آنچه می‌توانیم الهیات کتاب یا برخی از مضامین مهم کتاب بنامیم صحبت کنم.

می‌توانیم این را تقریباً در مورد هر کتاب مقدس بگوییم، اما مطمئناً، آن را اینجا می‌بینیم، و آن ایده حاکمیت خدا و پایداری خدا در این کتاب است. در اینجا تمرکز ویژه‌ای بر خدا وجود دارد. جالب است بدانید، برای مثال، البته، این یک کتاب کوتاه است.

این کتاب فقط ۸۵ آیه دارد، اما در ۲۳ آیه از آن آیات از خدا نام برده شده است. بنابراین بیش از یک چهارم، نزدیک به یک سوم کتاب به طور خاص از خدا نام برده شده است. و جالب است که در ۲۱ مورد از این موارد، نام خدا از دهان شخصیت‌ها آمده است.

به عبارت دیگر، خود شخصیت‌ها به وضوح خدا را وارد زندگی خود می‌کنند و او را تصدیق می‌کنند و غیره. چارچوب روایی پیرامون آن، به عبارت دیگر، نویسنده کتاب، همانطور که درباره شخصیت‌ها می‌نویسد، فقط دو بار از خدا نام می‌برد. یک بار در همان ابتدای کتاب، فصل ۱، آیه ۶. یک بار در همان پایان، فصل ۱۴ آیه ۳. در غیر این صورت، اشارات به خدا از زبان شخصیت‌ها است، اما به وضوح نشان می‌دهد که خدا یک شخصیت درگیر در کتاب است و شخصیت‌های انسانی به وضوح در اینجا خدا را تصدیق می‌کنند.

فراتر از آن، می‌توانیم ببینیم که وقایع چگونه پیش می‌روند و خدا همیشه آنجاست. همه چیز به خوبی مرتب شده و همه چیز به خوبی پیش می‌رود. اما این شاید به نکته‌ی دومی منجر شود که می‌توانیم به آن اشاره کنیم، و آن، از قضا، شاید بتوانیم در مورد پنهان بودن خدا در کتاب صحبت کنیم.

نقش او نقشی ثابت و آرام است، اما همانطور که گفتم، راوی، نویسنده کتاب، واقعاً به ما نمی‌گوید که این اتفاق به این دلیل رخ داده است که خدا وقایع را به این شکل هدایت کرده است. یا چندین بار، به نظر می‌رسد که همزمانی‌های بیشتری وجود دارد. به عنوان مثال، در فصل ۲، آیه ۳، در مورد روت، همانطور که معلوم شد، او خود را در حال کار در مزرعه‌ای متعلق به بوعز یافت.

تقریباً مثل این است که، او، این اتفاق همین‌طوری افتاد. کتاب‌های تاریخی دیگر احتمالاً می‌گویند، خدا او را به مزرعه بوعز یا چیزی شبیه به آن هدایت کرد. در فصل ۳، آیه ۱۸، نعومی با روت صحبت می‌کند.

او می‌گوید، صبر کن دخترم، تا بفهمی چه اتفاقی می‌افتد. او نمی‌گوید تا زمانی که خدا این را عملی کند. بنابراین، از برخی جهات، بسیاری از مفسران کتاب روت را با کتاب استر مقایسه کرده‌اند.

در کتاب استر، اصلاً از خدا نامی برده نشده است. من معتقدم که او کاملاً حضور دارد، به نوعی در پس‌زمینه است و با تدبیر الهی عمل می‌کند. اما به نظر من در کتاب استر، قطعاً، و تا حدی دیگر، در کتاب روت، پنهان بودن خدا نیز بخش عمده‌ی کتاب است.

نکته این است که گاهی اوقات در زندگی واقعی، ما همیشه مطمئن نیستیم که چه اتفاقاتی توسط خدا هدایت می‌شود، یا چه اتفاقاتی توسط خدا مجاز است، و شاید خلاف خواست او پیش برویم. بله، در نهایت همه چیز برای کسانی که او را دوست دارند، به خوبی پیش می‌رود. اما گاهی اوقات خدا همه چیز را رها می‌کند، و دست او کاملاً درگیر نیست.

و به نظر می‌رسد نویسنده کتاب قطعاً به نوعی عقب‌نشینی می‌کند و اجازه می‌دهد این حرف‌ها از دهان شخصیت‌ها بیرون بیاید. اما گاهی اوقات به نظر می‌رسد که او بیشتر در مورد وقایعی صحبت می‌کند که به نفع قوم خدا تمام شده‌اند. قطعه سوم پازل، از نظر مضامین کتاب، من و بسیاری از مفسران استدلال می‌کنیم که واقعاً در این موضوع بزرگتر و گسترده‌تر، آنچه من آن را الهیات سلطنت می‌نامم، جای می‌گیرد.

ما یک کلیپ ویدیویی جداگانه داریم که در آن در مورد ایده نقشه‌های خدا برای پادشاهان در اسرائیل صحبت کردیم که به همان ابتدا برمی‌گردد. اگر آن کلیپ را ندیده‌اید، مرور آن می‌تواند مفید باشد. اما از همان ابتدا، خدا به نسل ابراهیم، پیدایش ۱۷ و پیدایش ۳۵، و سپس به نسل یهودا، پیدایش ۴۹، وعده پادشاهان می‌دهد.

یک متن بسیار مهم در تثنیه ۱۷ وجود دارد که ویژگی‌های پادشاه خداترس را بیان می‌کند. پادشاه خداترس نباید مانند پادشاهان ملت‌های اطراف باشد، بلکه تصویری بسیار متضاد با فرهنگ آن زمان از پادشاه خداترس بنی اسرائیل وجود دارد. پادشاه نباید اسب‌های زیادی را تکثیر کند و به ارتش خود یا اتحادیه‌های خارجی اعتماد کند، بلکه باید ریشه در کلام خدا داشته باشد و برای جنگجو بودن به خدا توکل کند.

بنابراین، این یک پس‌زمینه است، به خصوص برای کتاب داوران، جایی که اوضاع به سرعت و به شدت رو به وخامت می‌رود، و نویسنده داوران بارها می‌گوید، در اسرائیل پادشاهی وجود ندارد. هر کسی از نظر خودش کار درست را انجام می‌داد. نویسنده داوران می‌گوید، اوضاع به اینجا رسیده بود، دقیقاً به این دلیل که در اسرائیل هیچ پادشاه خدایی وجود نداشت که مردم را به سمت خداوند هدایت کند، به جای اینکه یک حکومت غیرمتمرکز وجود داشته باشد، هر کسی هر کاری که می‌خواست انجام می‌داد.

و کتاب روت، به ویژه با تأکید بر داوود، در این الگو جای می‌گیرد. بنابراین، بیایید اکنون نگاهی به آن بیندازیم و در ادامه تفسیر کتاب، مختصراً به آن خواهیم پرداخت. اما به فصل ۴ روت پردازیم. خوب، قبل از آن، فقط یادآوری می‌کنیم که در ابتدای کتاب، بهتر است از فصل ۱ شروع کنید و توجه داشته باشید که داستان از خانواده مردی به نام ایملک است.

او همسرش نعومی و دو پسر به نام‌های محلون و کلیون داشت که از اهالی افرات و اهل بیت لحم و یهودا بودند. و البته، همانطور که بعداً می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که بیت لحم محل، شهر داوود است. داوود از آنجا آمده و در یهودا قرار دارد، که تکرار وعده‌هایی است که در پیدایش ۴۹ به یهودا داده شده مبنی بر اینکه پادشاهی از نسل او خواهد آمد.

خوب، داستان از این قرار است که این خانواده‌ای از یهودا، از بیت لحم است، و روت، البته یک خارجی، با این خانواده ازدواج می‌کند. خوب، حالا به فصل ۴ برویم، و این شجره‌نامه را در انتهای کتاب می‌بینیم. این شجره‌نامه ما را از شخصی به نام پرز، پرز، تا نسل‌های بعدی تا آیه ۲۲ می‌برد، عوبید پدر یسی شد، یسی پدر داوود.

بنابراین، آخرین کلمه در کتاب، داوود است، و واضح است که او همان پادشاه خدایی است که قرار است در اول و دوم سموئیل بیاید. اما پرز کیست؟ خب، ما می بینیم که در... او در آیه ۱۲ ذکر شده است. بنابراین اجازه دهید به طور غیرمستقیم به او پردازم. پرز پسر یهودا از طریق تامار، عروس یهودا، است.

به یاد داشته باشید، پسر یهودا، شوهر تامار، درگذشت. او نزد یهودا می آید و از او می خواهد که وظایف برادر شوهر را انجام دهد، هرچند که او پدر شوهر است، و یهودا امتناع می کند. بنابراین، او لباس یک فاحشه را می پوشد و او را به دام می اندازد.

او به او نزدیک می شود، او بارداری می شود و دو پسر به دنیا می آورد. پرز یکی از آنهاست. و بنابراین اولین چیزی که می توانیم اینجا ببینیم ارتباط بین داوود و، به نوعی غیرمستقیم، یهودا است.

« این، داوود را با وعده های داده شده به یهودا در پیدایش ۴۹، به ویژه آیه ۱۰، مرتبط می کند که می گوید عصای سلطنت از یهودا دور نخواهد شد، و نه عصای فرمانروایی از میان پاهایش، تا به سوی کسی که از آن اوست، بازگردد.» بدون شک به داوود و سپس در نهایت در درازمدت به مسیح اشاره دارد. اما مطمئناً، در عهد عتیق، در آنجا درباره داوود صحبت می شود.

و بنابراین، این داوود را از نظر تبارشناسی به یهودا متصل می کند، اما وعده هایی که به یهودا در پیدایش ۴۹ می بینیم را نیز در بر می گیرد. ثانیاً، می بینیم که روستاییان گرد هم می آیند و همه در آیه ۱۱، فصل ۴ به دروازه می آیند و می گوید: «همه مردمی که در دروازه بودند و بزرگان گفتند: ما شاهد هستیم.» این مربوط به گرد هم آمدن بوعز و روت است.

و آنها دعای خیر می کنند. می گویند: «خداوند زنی را که به خانه تو می آید مانند راحیل و لیه قرار دهد.» و البته، راحیل و لیه دو همسر یعقوب هستند.

بنابراین، این ما را به یعقوب برمی گرداند، و لیه مادر یهودا است. بنابراین، به نوعی دیگر، ما یهودا را در اینجا در تصویر داریم که با هم خانه اسرائیل را بنا کردند. باشد که در افراشته شایسته عمل کنی و در بیت لحم نامدار باشی.

بنابراین، به طور غیرمستقیم از طریق زادگاهش، بیت لحم، به داوود اشاره شده است. و سپس آیه سوم، آیه باشد که خانه تو مانند خانه فارز باشد، که تامار او را برای یهودا به دنیا آورد. بنابراین، به طور صریح، ۱۲ از یهودا صحبت می شود.

بنابراین، من فکر می کنم چندین رشته شواهد، برخی مستقیم و برخی غیرمستقیم، در انتهای کتاب، داوود و وقایع این زمان را با یهودا و وعده های داده شده به یهودا مرتبط می کنند. بنابراین، روت، نوعی و بوعز نه در نقطه میانی، بلکه در نقطه ای در امتداد مسیر بین وعده های داده شده به یهودا و چند نسل بعد، یعنی تولد داوود و خانواده اش، قرار دارند. بنابراین، از این نظر، به نظر من کتاب روت از الهیات کتاب داوران الهام می گیرد.

کتاب داوران می گوید ما به یک پادشاه نیاز داریم، به یک پادشاه خداترس. کتاب روت تصویری اجمالی از زندگی اجداد نزدیک داوود به ما می دهد و می گوید خدا در اطراف است و کار می کند، و این یک اتفاق زیباست که در حال رخ دادن است، و از اتفاقات خوب هنگام ورود داوود خبر می دهد. بنابراین، از این نظر، این کتاب علاوه بر اینکه فقط یک داستان زیباست، علاوه بر اینکه در مورد وفاداری خانوادگی و غیره استقبال از بیگانگان صحبت می کند، در مورد بخشی از الهیات سلطنت نیز به ما می گوید که در کتاب مقدس نیز وجود دارد.

بنابراین، اینها نکات اصلی هستند که می‌خواهم در مورد مقدمه کتاب بگویم. بنابراین، اکنون زمانی را صرف بررسی شرح فصل به فصل کتاب می‌کنیم. بنابراین، اگر کتاب مقدس خود را دارید، فصل ۱ را باز کنید تا فصل‌ها را بررسی کنیم.

،این دکتر دیوید هاوارد است که در حال تدریس در مورد کتاب‌های یوشع تا روت است. این جلسه ۳۱، مقدمه‌ای بر روت است.